

در مورد بازداشت آقای کدیور و دادگاه ویژه روحانیت

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

شماره ۷۷-۱۴۷۳۳

جناب آقای مهرپور تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۶

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه مورخ ۷۷/۱۲/۱۲ خانم زهرا رودی در خصوص دستگیری همسرشن آقای دکتر محسن کدیور که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«به نام خدا

گرچه مسئولان دادگاه ویژه تاکنون حتی در برابر استفسارهای عادی هم خود را ملزم به توضیح ساده ندانسته‌اند اما به هرحال ادعانامه و دادخواهی یک شهروند (صرفنظر از موقعیت او) از رئیس جمهور را نمی‌توان به خود رها کرد. هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی سریعاً بررسی کند و راه کارهای اقدام را جستجو کند. بیننم چه باید کرد.»

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالیٰ

شماره ۷۷-۶۲۹

تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۲

حجۃ‌الاسلام والملمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطاف به پی‌نوشت مندرج در نامه شماره ۱۴۷۳۳-۷۷/۷۷ مورخ ۱۶/۱۲/۷۷ در رابطه با تظلم همسر حجۃ‌الاسلام آقای محسن کدیور و دستور بررسی و جستجوی راهکارهای اقدام به استحضار می‌رساند؛ علاوه بر شکواییه‌ای که خدمت حضرت عالی ارسال شده، از سوی خود آقای کدیور و همسر ایشان به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز شکایت شده و درخواست پیگیری موضوع از جهت جلوگیری از نقض اصول قانون اساسی بعمل آمده و در هیأت هم موضوع مورد بحث قرار گرفته و در زمینه روش‌های اقدام در محدوده وظایف رئیس‌جمهور در خصوص اجرای اصول قانون اساسی مخصوصاً در مورد حقوق و آزادی‌های افراد ملت مذاکره بعمل آمد، یک نظر این بود که در اجرای ابتدایی‌ترین اقدام رئیس‌جمهور یعنی کسب اطلاع، اخذ توضیح و بررسی موضوع طبق ماده ۱۳ قانون حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ از دستگاه قضایی نسبت به موارد نگرانی از روند نقض اصول قانون اساسی خواستار تبیین موضوع شده و خواسته شود ترتیبی اتخاذ گردد که نمایندگی از هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، با آقای کدیور در زندان ملاقات و وضعیت ایشان را ملاحظه و اظهاراتش را استماع و موارد اتهامی و اقدامات دادسرای ویژه را البته بدون هیچ‌گونه دخالتی در روند رسیدگی بررسی نماید و با توجه به سابقه عدم پاسخگویی دادگاه ویژه به مکاتبات هیأت یک پیشنهاد این بود که چون به هرحال، رئیس قوه قضاییه، طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی کلیه مسؤولیت‌های قوه قضاییه را یعهده دارد و در قانون اساسی یک قوه قضاییه بیشتر پیش بینی نشده، نامه‌ای با امضاء رئیس‌جمهور خطاب به ریاست محترم قوه قضاییه در اجرای ماده ۱۳ قانون یاد شده

ارسال شود ولی بلحاظ وضع خاص و استقلالی که دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت طبق مقررات خود از قوه قضائیه دارد، اجماع نظر در بین اعضاء هیأت بر این امر حاصل نشد. در عین حال متن نامه تنظیم شده، جهت ملاحظه و احیاناً تصمیم و اقدام مقتضی حضرت عالی به پیوست فرستاده می‌شود.

در خصوص شکایت آقای کدیور و ایرادات مطروحه از سوی ایشان نسبت به عمل دادسرا ویژه که طبعاً دارای بازتاب اجتماعی وسیعی بوده و اظهارنظرهای گوناگون در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت اقدام مذبور با قانون اساسی را در پی داشته به استحضار می‌رساند ایرادات مذبور از چند جهت مطرح است:

- ۱- مغایرت اصل تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه با قانون اساسی - ایراد عمدۀ آقای کدیور در شکواییه خود به هیأت که این روزها در نوشته‌ها و گفته‌های بسیاری از صاحبۀ نظران نیز مطرح شده، بر غیرقانونی بودن اصل تشکیل مرجع قضایی مذبور است، در این زمینه نظر هیأت به طور تفصیل قبلًا طی نامه‌های شماره ۱۵۵-۷۷ مورخ ۷۷/۶/۱۴ و ۷۷-۴۷۷ مورخ ۷۷/۱۰/۲۰ حضورتان ارسال شده و نیاز به تکرار نیست و خلاصه آن در یک جمله این است که به نص اصل ۱۵۹ قانون اساسی: «... تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.» و به نص اصل ۵۸ اعمال ۵۹ قوه مقننه یعنی قانون‌گذاری از طریق مجلس شورای اسلامی است و طبق اصل ۱۵۹ استثنائی در مواردی میتوان از طریق مراجعته به همه پرسی وضع قانون نمود، از سوی دیگر طبق صدر اصل ۱۵۹ که: مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است..... و اصل ۱۷۲ و اصول مربوطه دیگر، قانون اساسی دادگاهی اختصاصی جز محاکم نظامی آنهم فقط برای رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی اعضاء نیروهای مسلح نمی‌شناسد، که آنهم بخشی از قوه قضائیه و مشمول اصول مربوط به آن می‌باشد. بنابراین اصل وجود یک مرجع قضایی بنام دادگاه ویژه روحانیت از دو جهت با قانون اساسی مغایر است یکی از این حیث که اصولاً چون دادگاه اختصاصی است به حکم قانون اساسی نمی‌تواند وجود داشته باشد یعنی قانون عادی مصوب مجلس هم نمی‌تواند موجب تشکیل آن شود. ثانیاً از این جهت که به فرض بتوان طبق قانون، دادگاه

مذبور را تشکیل داد، تشکیل این دادگاه نه به حکم قانون مصوب مجلس نه همه پرسی و نه حتی به استناد حل معرض نظام طبق بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

تکرار این جمله از سوی برخی اظهارنظر کنندگان و ابرام بر آن که دادگاه ویژه قانونی است و مطابق قانون اساسی است، آن را قانونی نمی‌کند مگر این‌که مفهوم جدید یا بقول امروزی‌ها قرائت جدیدی از قانون و قانون اساسی وجود داشته باشد که ما از آن بی‌اطلاع باشیم.

از سوی دیگر برخی ضوابط حاکم بر تشکیل و صلاحیت و رسیدگی دادگاه ویژه طبق آیین‌نامه مورد عمل آن با نصوص قانون اساسی مغایرت دارد که به دو سه نمونه بارز آن اشاره می‌شود:

الف - طبق قانون اساسی (اصول ۱۵۷ و ۱۵۸) مسؤولیت کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی قوه قضاییه بعهده رئیس قوه قضاییه است و استخدام و عزل و نصب قضايانی رئیس و دادستان دیوان عالی کشور با اوست، در حالی که طبق آیین‌نامه دادگاه ویژه، دادستان ویژه روحانیت و حاکم شرع شعبه اول مستقیماً توسط مقام معظم رهبری منصوب می‌شود (مواد ۳ و ۱۰) و عزل و نصب دادستان‌ها و دادیاران دادسرا بعهده دادستان منصوب است (ماده ۷)

ب - مستفاد از اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی این است که جرم چیزی است که به موجب قانون به عنوان جرم شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است در حالی که طبق تبصره ماده ۱۸ آیین‌نامه دادگاه ویژه عرف نیز ملاک تعیین جرم بودن اعمالی برای روحانیون قرار گرفته است.

ج - طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی حکم دادگاه باید مستند به قوانین مدونه باشد و اگر در موضوعی قانون مدون وجود نداشت قاضی دادگاه باید به استناد منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر فقهی حکم قضیه را صادر نماید ولی بموجب ماده ۴۲ آیین‌نامه دادگاه ویژه ابتدا باید حکم دادگاه به استناد موازین شرعاً صادر شود و چنانچه در شرع نسبت به جرمی مجازاتی وجود نداشت باید به استناد قوانین موضوعه حکم صادر

شود.

دشواری کار ریس‌جمهور و هیأت منتخب او در اجرای مسؤولیت اجرای قانون اساسی در رابطه با دادگاه ویژه از این جا ناشی می‌شود، که دادگاه مذبور نهادی است غیروابسته به قوه قضاییه و طبعاً دو قوه دیگر، و خارج از چهارچوب و ضوابط قانون اساسی تشکیل شده است، تأسیس و تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه مستقیماً با حکم مقام معظم رهبری (ابتدا حضرت امام رضوان الله تعالى عليه (سال ۱۶) و بعداً حضرت آیة الله خامنه‌ای) صورت گرفته و مشروعیت خود را از فرمان رهبری می‌گیرد و ریس‌جمهور که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسؤول اجرای قانون اساسی است، طبق اصل ۱۲۲ در رابطه با وظایف قانونی خود در برابر رهبر مسؤول است، حال نهادی که خارج از ضوابط قانون اساسی مستقیماً با حکم رهبری ایجاد شده و زیر نظر مستقیم مقام مذبور و با ضوابطی که جدا از چارچوب قانون اساسی با تأیید آن مقام تنظیم و تصویب شده عمل می‌کند؛ چگونه می‌تواند مورد ممیزی ریس‌جمهور از جهت اجرای قانون اساسی قرار گیرد معضلی است که حل آن آسان به نظر نمیرسد. راه حل غیرحقوقی ما تکرار پیشنهادی است که قبلًا طی نامه شماره ۱۵۵-۷۷/۶/۱۴ مورخ ۷۷/۶/۱۴ حضورتان ارایه شد که با مقام معظم رهبری مذاکره فرمایید که خود ایشان اگر صلاح می‌دانند تمهدی بیاندیشند و رسیدگی قضایی به جرایم طبقه روحانی نیز در روند چارچوب قانون اساسی فراهم آید. والامر الیک فانظری مازا تamerin.

۲- اشکالات مربوط به نحوه دادرسی - (انتخاب وکیل، علنی بودن محاکمه، حضور

هیأت منصفه و...)

در این زمینه باید گفت اگر از اصل غیرقانونی بودن دادگاه ویژه بتوان اغماض کرد و وجود آن را مشروع و قانونی تلقی کرد، طبعاً باید نحوه عمل و شیوه دادرسی آن را در محدوده مقررات مربوطه خودش مورد ارزیابی قرار داد.

با عنایت به این امر در مورد وکالت اشعار می‌دارد که طبق تبصره ۱ ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی: «اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند، دادگاه

تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می‌کند تا از میان آن‌ها به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد.»

ظاهرآ دادگاه بر همین ترتیب در مورد آقای کدیور اقدام کرد، هرچند حکم این قانون خالی از انتقاد نیست و با روح اصل ۲۵ قانون اساسی و فلسفه دادن حق انتخاب وکیل به متهم سازگاری ندارد.

در خصوص علنی بودن محاکمه اصل ۱۶۵ قانون اساسی اعلام می‌دارد که محاکمات باید علنی باشد ولی در صورتی که به تشخیص دادگاه علنی بودن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد دادگاه غیرعلنی تشکیل می‌شود.

دادگاه ویژه روحانیت چون تشکیل آن منبعث از قانون اساسی نیست بلکه نشأت گرفته از حکم مقام معظم رهبری و آیین‌نامه مصوب ایشان است نتیجتاً دادگاه به مقررات آیین‌نامه خود مراجعه می‌نماید، در آیین‌نامه دادگاه ویژه حکمی در مورد علنی بودن دادگاه ذکر نشده ولی رئیس دادگاه ویژه روحانیت در تاریخ ۷۰/۷/۷ از مقام معظم رهبری کسب تکلیف نموده، و از ایشان سؤال نموده که تشخیص علنی بودن یا مخفی بودن دادگاه با چه مرجعی است و معظم له پاسخ دادند تشخیص علنی بودن دادگاه با رئیس دادگاه است. (نقل از مجله کانون وکلا شماره ۱۵۲ و ۱۵۳ ص ۳۷۴)

در خصوص سیاسی بودن جرم و لزوم حضور هیأت منصفه باید گفت طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی باید بصورت علنی و با حضور هیأت منصفه صورت گیرد ولی طبق همان اصل تعریف جرم سیاسی و ترکیب و اختیارات هیأت منصفه براساس موادین اسلامی طبق قانون معین می‌شود. تاکنون قانونی که جرم سیاسی را تعریف کند تصویب نشده است. بنابراین اگر هم براساس معیارهای حقوقی و نظرات اهل فن برخی جرایم، به عنوان جرم سیاسی تلقی شوند، چون مبنای قانونی مصوب ندارد نمی‌توان محاکمه آن‌ها را طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی انجام داد ولی در سؤالی که حاکم شرع دادگاه ویژه از مقام معظم رهبری در خصوص جرایم مطبوعاتی روحانیون و ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل هیأت منصفه بعمل آورده معظم له در پاسخ فرموده‌اند: کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون و آن‌چه موجب

خدشه در حیثیت روحانیت است باید در آن دادگاه ویژه رسیدگی شود و اگر ترکیب هیأت منصفه از روحانیون و مورد تأیید دادستان و رئیس دادگاه باشد، حضور آن مفید است. (نقل از مرجع پیشین)

با این وصف، قطع نظر از مقتضیات اصل ۱۶۸ قانون اساسی اگر دادگاه ویژه اتهامات وارد به آقای کدیور را سیاسی تلقی نماید می‌تواند دادگاه را با حضور هیأت منصفه با ترکیبی که در پاسخ فوق الذکر آمده است تشکیل دهد.

۲- اشکال مربوط به صدور قرار بازداشت - از جمله ایراداتی که بر کار دادسرای ویژه وارد شده و مورد شکایت قرار گرفته است صدور قرار بازداشت موقت برای آقای کدیور و نگهداری نامبرده در زندان است.

زنданی کردن فرد و سلب آزادی از او مسئله‌ای است که اگر توجیه قانونی صحیح نداشته باشد از مصادیق بارز نقض قانون اساسی است علی‌الاصول هنگامی می‌توان کسی را زندانی کرد که طبق حکم قطعی صادره از دادگاه صالح و بر مبنای قانون و مستند به دلایل به حبس محکوم شده باشد.

در دوره تحقیق مقدماتی و قبل از صدور حکم استثنائی می‌توان برای جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی برای امحاء ادله جرم و یا سنگین بودن اتهام انتسابی و مجازات مقرر قانونی برای وی، قرار بازداشت صادر کرد. طبق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحاء اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد، طبق ماده ۲۵ آیین نامه دادگاه ویژه در موارد خوف فرار متهم، خوف تبانی یا امحاء آثار جرم، موارد مهمی از قبیل جرایم ضدانقلابی، موادمخدر، کلاهبرداری، ارتشای قتل و... مواردی که آزادی متهم موجب مفسد است می‌توان قرار بازداشت صادر نمود.

حسب اعلام آقای کدیور و خانواده وی نامبرده پس از احضار در روز شنبه ۷۷/۱۲/۸ با قرار بازداشت روانه زندان شده است، هرچند تشخیص لزوم قرار بازداشت و اتخاذ تصمیم با مقام قضایی مربوطه است و اطلاع کافی نیز از اتهامات وارد به ایشان

در دست نیست ولی با توجه به نوع اتهامات اعلام شده در جراید از سوی دادسرای ویژه در مورد آقای کدیور و معقول نبودن بیم فرار یا تبانی برای احماء جرم و وجود مفسد در آزاد بودن وی حداقل این نگرانی وجود دارد که در صدور قرار بازداشت دقت قانونی لازم صورت نگرفته و تضییع حق شده باشد.

یادآوری می‌نماید طبق اطلاعیه دادسرای ویژه روحانیت منتشره در مطبوعات مورخ ۱۵/۱۲/۷۷، اتهامات منتبه به آقای کدیور از مصاديق مواد ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است، با توجه به این‌که جرم موضوع ماده ۶۹۸ طبق ماده ۷۲۷ بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نیست و حداقل مجازات جرم موضوع ماده ۵۰۰ یکسال حبس است طبعاً صدور قرار بازداشت با نوع اتهام و مجازات تعیین شده برای آن متناسب به نظر نمی‌رسد و حال قطع نظر از قانونی بودن یا نبودن دادسرا و دادگاه ویژه، معقول و منصفانه این است که هرچه زودتر با تبدیل قرار بازداشت به تأمین متناسب، آقای کدیور آزاد و در فرصت متناسب محاکمه عادلانه صورت گیرد مخصوصاً با توجه به این حقیقت که نوع اتهام وارد بگونه‌ای است که نگرانی کنکاش در عقیده و تعرض به آزادی بیان و قلم و اظهارنظر و برخورد سلیقه‌ای وجود دارد و بازتاب‌های منفی اجتماعی این بازداشت نیز بر کسی پوشیده نیست.

ولی چون دادگاه ویژه چنانکه در بخش اول گفته شد پاسخگوی هیأت نیست به نظر می‌رسد اگر صلاح می‌دانید از یکسو در مذاکرات حضوری خود، نظر مقام معظم رهبری را به حل اصل موضوع و از جمله این مورد خاص جلب نمایید و از سوی دیگر نامه پیوست خطاب به رییس محترم قوه قضائیه که به هر صورت مسؤولیت دستگاه قضائی را بعهده دارند امضاء و ارسال فرمایید تا بتوان از آن طریق اطلاع صحیحی از نوع اتهام و نحوه عمل دادسرا و دادگاه ویژه و روند محاکمه به دست آورده و تا حدی وظیفه نظارت بر اجرای قانون اساسی را انجام داد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسم الله تعالى

حضرت آیة الله یزدی
ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

در پی بازداشت حجۃ‌الاسلام آقای محسن کدیور از سوی دادگاه ویژه روحانیت شکایات و اعلام‌هایی بصورت نامه سرگشاده و خصوصی و اظهارات شفاهی به این جانب واصل شده و در آن‌ها از نقض اصول قانون اساسی مربوط به حقوق و آزادی‌های مشروع آحاد ملت و ممنوعیت تفتیش عقاید و تعرض و مواخذه افراد به خاطر داشتن عقاید و قانونی بودن جرم و دستگیری و بازداشت و صلاحیت دادگاه ابراز نگرانی شده است؛ انتشار عنایینی از اتهامات چون تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی که در اطلاعیه دادسرای ویژه روحانیت مطرح شده، و تاب تفسیر و برداشت‌های مختلف دارد و عنایت به این‌که به هر حال نامبرده فردی اهل فکر و مطالعه و قلم و بیان در زمینه مبانی و مسایل حکومت اسلامی است نگرانی فوق را تقویت می‌کند و چنانکه معلوم است، بازداشت و نگهداری نامبرده در زندان بازتاب اجتماعی داشته و به نوعی تشویش اذهان عمومی به خصوص اهل فکر و قلم را نسبت به آزادی‌های اساسی خود در پی داشته است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود مخصوصاً توجه به این نکته لازم است که حداقل مجازات جرایم موضوع مواد ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی که دادسرای ویژه به آن استناد نموده یک‌سال و دو سال حبس است که از لحاظ میزان مجازات، صدور قرار بازداشت تناسبی با اتهام وارد ندارد و بیم تبانی و امحاء ادله و فرار هم در این مورد بسیار مستبعد است به خصوص که جرم موضوع ماده ۶۹۸ طبق ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی جز باشکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و گزارش نشده که کسی از ایشان شکایت نموده باشد.

بدون تردید قوه قضائیه طبق قانون اساسی از استقلال برخوردار بوده و قاضی دادگاه مستقل است یعنی بدون مداخله هر شخص و مقام و اعمال نفوذ یا دستور اداری

باید بر مبنای قانون و براساس مقررات روش قانونی رسیدگی نموده و اتخاذ تصمیم نماید، ولی اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسؤولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده رئیس جمهور گذاشته و متن سوگندی که طبق اصل ۱۲۱، رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در حضور رئیس قوه قضائیه و اعضاء شورای نگهبان یاد می‌کند، وی را به پاسداری از قانون اساسی و حمایت از آزادگی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است متعهد می‌نماید و طبق ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، رئیس جمهور مکلف شده است از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤولیت اجرای قانون اساسی را ایفا نماید.

نظر باین‌که موضوع مطروحه در مورد آقای کدیور بگونه‌ای است که نگرانی روندی از نقض اصول مختلف قانون اساسی را در دستگاه قضائی ایجاد کرده است، در اجرای مسؤولیت موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی و به استناد ماده ۱۳ قانون عادی فوق الاشعار از جناب عالی که به هرحال به عنوان رئیس قوه قضائیه طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی مسؤولیت دستگاه قضائی کشور را بعده دارید می‌خواهم دستور فرمایید سریعاً گزارش مبسوط و روشنی از اتهامات آقای کدیور و مبانی و جهات قانونی اقدام دادگاه یا دادسرای مربوطه در احضار و بازداشت نامبرده تهیه و برای این جانب ارسال گردد و ترتیبی داده شود که عنداللزوم نمایندگانی از سوی این جانب با مراجعه به زندان و دیدار با زندانی و ملاحظه و مطالعه پرونده و شرکت در جلسات محکمه طبق ماده ۱۳ قانون مازالذکر، وظیفه کسب اطلاع، بازرسی و بررسی را تحقق بخشدند تا در صورت لزوم، رئیس جمهور بتواند اقدامات قانونی موضوع ماده ۱۴ و ۱۵ قانون یاد شده را انجام دهد.

با تشکر

سید محمد خاتمی

رئیس جمهور

بسمه تعالیٰ

شماره ۷۷-۱۴۹۷۵

جناب آقای مهرپور
مشاور محترم ریس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

گزارش شماره ۷۷-۶۲۹ مورخ ۱۱/۲۲ و ضمیمه آن در خصوص بازداشت آقای محسن کدیور، طی گردش کار شماره ۱۱۲/۱۱۴۱۲ مورخ ۱۲/۲۵ این دفتر (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«به نام خدا

جناب آقای مهرپور

منهای بند ۱ و ۲، گرچه امیدی به این‌که این دادگاه به اختیار وظیفه‌ای که ریس جمهور نسبت به تذکر و سؤال دارد و اهتمام و احترام کند چندان امیدی ندارم و به طور کلی شیوه‌ها و روش‌های آن را جفایی می‌دانم به مقام معظم رهبری که انتساب به ایشان ایجاب می‌کند که رعایت بیشتری نسبت به قانون و آداب و ادب شود ولی در عین حال لازم است تذکرات لازم را تا آن‌جا که در چارچوب وظایف ریس جمهور است به حضرات بدھید در مورد بند ۲ و بدون اشاره به بند ۱ (که قبلًاً نامه هیأت را خدمت مقام معظم رهبری دادم و نظر خودم را گفتم و پیشنهاد من هم بود اموری که راه‌های قانونی دارد خوب است از آن طریق طی شود) و تنها با ذکر این‌که صرفنظر از بحث جایگاه دادگاه ویژه خوب است نسبت به نحوه رسیدگی و قرارگرفتن سایر امور در چارچوب‌های قانونی و... اقدام شود. نامه مناسبی

به همین منظور جهت مقام معظم رهبری تهیه و اگر پیشنهاد خاصی هم هست مطرح شود تا تقدیم حضورشان کنیم.»

سید محمدعلی ابطحی

سید محمدعلی ابطحی مخصوصاً در امور امنیت ملی که به عنوان رئیس ستاد امنیت اسلامیه معاون امنیتی رئیس‌جمهور ایران و رئیس‌جمهور اسلامیه کشور اسلامیه ایران است، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود.

بیوگرافی این رئیس‌جمهور اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود.

با مردم ایران در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ رئیس‌جمهور اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود. او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود.

تصاریحی که این رئیس‌جمهور اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود، از جمله این که او در دوران امام خمینی رهبر اسلامیه ایران، از افراد قدرتمند و ماهر این امور بود.